



مؤسسه فرهنگ قرآن و عترت اسوه تهران

السَّالَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ عِوَى نَزَّالِ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى أَهْلِ الْبَيْتِ عِوَى أَهْلِ الْبَيْتِ



در این شماره می‌خوانیم:

- جنگ اسرائیل علیه ایران؛ بازتابی از نبرد کربلا در عصر حاضر
- ایران، مقاومت و بازتعریف معادلات منطقه
- فراز و فرودهای زندگی، همون چیزیه که ما رو می‌سازه!
- وظیفه ما در میدان نبرد حق و باطل
- امر به معروف و نهی از منکر، مترقی‌ترین اصل اسلامی
- لجبازی کودک یا اعلام استقلال؟
- حرف مردم
- سستی و اندوه ممنوع
- گزارش تصویری از جنگ ۱۲ روزه

وقایع مهم ماه محرم

- ۹ محرم: تاسوعای حسینی
- ۱۰ محرم: عاشورای حسینی
- ۱۲ محرم: شهادت امام سجاد (علیه السلام) (۹۵ ه.ق)
- ۷ تیر: شهادت آیت الله دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یارانش (۱۳۶۰ ه.ش)

جنگ اسرائیل علیه ایران؛ بازتابی از نبرد کربلا در عصر حاضر

فخری مرجانی

و امروز در رأس این جبهه‌ی باطل، رژیم کودک‌کش اسرائیل ایستاده؛ فرزندی نامشروع از پیوند استعمار و خیانت. رژیمی که آشکارا با اسلام، با قرآن، با ملت‌های مسلمان - به‌ویژه ایران - دشمنی می‌ورزد. جنگ امروز اسرائیل علیه ایران، صرفاً جنگ بر سر منافع سیاسی یا اقتصادی نیست؛ این ادامه‌ی همان جنگی است که در کربلا شعله‌ور شد: جنگ جبهه‌ی کفر علیه اسلام ناب.

ما وقتی زیارت عاشورا را زمزمه می‌کنیم، فقط به عزاداری نمی‌پردازیم؛ بلکه در حقیقت به اردوگاه حق اعلام حضور می‌کنیم، و به اردوگاه باطل اعلام دشمنی. لعن بر یزید، یعنی لعن بر هر طاغوتی که امروز هم خون مظلوم را می‌ریزد. سلام بر حسین، یعنی سلام بر هر مظلومی که در برابر ظلم ایستاده، و سلام بر ملت مقاومی که در راه حسین، از جان گذشته‌اند. امروز، وقتی «اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد» می‌گوییم، یعنی می‌خواهیم سبک زندگی ما، تفکر ما، و حتی سیاست و دیپلماسی ما، بر مدار عاشورا باشد. یعنی راه ما همان راهی است که امام حسین (علیه‌السلام) در عاشورا ترسیم کرد: ایستادگی، فداکاری، و تسلیم نشدن در برابر ظلم، حتی اگر همه‌ی دنیا در برابرمان بایستند.

زیارت عاشورا فقط مرور یک واقعه تاریخی نیست؛ منشور مبارزه‌ای است که از دل خون عاشورا برخاسته و تا امروز در رگ‌های امت اسلام جریان دارد. در این زیارت، مخاطب صرفاً در حال تعزیت به اهل بیت نیست، بلکه دارد موضع می‌گیرد، صف می‌بندد، و از دشمنان خدا و رسول، و دشمنان اهل بیت، اعلام براءت می‌کند.

هر بند از زیارت، یک تابلوی روشن از نبرد حق و باطل است. از آنجا که با «سلام» آغاز می‌شود، موضع دوست‌داشتن و پیروی را نشان می‌دهد؛ و با «لعن» ادامه می‌یابد، که یعنی دشمن‌شناسی، و نفرت از ظلم، تحریف و طغیان. در واقع، زیارت عاشورا یک بیانیه است؛ بیانیه وفاداری به راه امام حسین (علیه‌السلام) و اعلام جنگ با تمام جریان‌هایی که امروز هم، همچون دیروز، در صف یزیدیان ایستاده‌اند.

وقایع تاسوعا و عاشورا، پرده‌ای از نبرد تمام‌نشدنی میان دو جبهه است: جبهه‌ی «ولایت» در برابر جبهه‌ی «جهالت و سلطه». در آن روزگار، یزید نماد سلطه‌ی جور و تحریف دین بود. امروز اما چهره‌ی یزیدیان تغییر کرده ولی حقیقت آن‌ها همان است: سلطه‌گرانی که به نام آزادی، انسانیت را به بند کشیده‌اند؛ و به نام حقوق بشر، کودکان را در غزه و لبنان و یمن، بی‌رحمانه می‌کشند.



ایران، مقاومت و بازتعریف معادلات منطقه

حجت الاسلام سید مهدی علیزاده موسوی

است و این یعنی، «رهبری جهان اسلام، در خلافی عملی دولت‌های عربی، به سوی تهران در حرکت است.» آنچه در حال وقوع است، «بازتعریف معادلات بازدارندگی» در غرب آسیاست. رژیمی که سال‌ها زیر چتر حمایتی آمریکای تصور می‌کرد دست‌نیافتنی است، حالا نه‌فقط در میدان مقاومت، بلکه مستقیماً در برابر ایران قرار گرفته است. و این یعنی بازی به پایان فازهای پنهان خود رسیده است.

در این مرحله، اگر پاسخ ایران دقیق، هوشمندانه و حساب‌شده باشد، نه‌تنها حیثیت نظامی خود را بازیابی خواهد کرد، بلکه یک پیام راهبردی به کل منطقه و جهان مخابره می‌کند: «ایران تنها کشوری است که جسارت و توان ایستادن در برابر اسرائیل را دارد؛ نه در شعار، بلکه در میدان».

اکنون چشم‌ها به تهران دوخته شده است. این یک جنگ محدود نیست، بلکه یک آزمون تاریخی است برای تثبیت موقعیت ایران به‌عنوان یک قدرت تعیین‌کننده، نه‌فقط در منطقه بلکه در هندسه امنیت جهانی.

اسرائیل سال‌ها تلاش کرد با تکیه بر تاریخ هولوکاست و حمایت گسترده رسانه‌ای، خود را «قربانی همیشگی» معرفی کند. از هالیوود تا شبکه‌های خبری غرب، روایت مظلومیت یهودیان و حق آن‌ها برای داشتن سرزمینی امن، بخش ثابتی از ذهن‌سازی جهانی بود. حتی برخی از روشنفکران جهان اسلام نیز، با تأثیرپذیری از این موج تبلیغاتی، نوعی هم‌دلی پنهان با این گفتمان داشتند.

اما اتفاقات سال‌های اخیر، به‌ویژه در جنگ غزه و حملات بی‌رحمانه به غیرنظامیان، کودکان و بیمارستان‌ها، چهره واقعی رژیم صهیونیستی را عریان کرد. تظاهرات میلیونی در اروپا، آمریکا، کانادا و دیگر کشورها، نشان داد که دیگر حتی وجدان غربی هم تاب تحمل چنین توحشی را ندارد. این بار، نه فقط جهان اسلام، بلکه جهان بشری علیه اسرائیل برخاسته است. نکته مهم‌تر این است که این تغییر نگرش، به‌رغم سلطه رسانه‌ای جریان صهیونیستی رخ داد. یعنی حتی با وجود کنترل بر صدها شبکه و خبرگزاری، آن‌قدر حجم جنایت بالا بود که فیلترهای رسانه‌ای از پس پنهان‌کاری آن برنیامدند. برای اولین بار، افکار عمومی جهانی، از نیویورک تا برلین، از پاریس تا سئول، اسرائیل را نه یک دولت محق، بلکه یک رژیم کودک‌کش و نژادپرست می‌دانند.

اسرائیل نه‌فقط مشروعیت اخلاقی، بلکه حتی «بقای نرم» خود در نگاه جهانی را از دست داده است و این، فروپاشی واقعی یک رژیم است؛ قبل از آن که نظامی یا اقتصادی باشد، فروپاشی در حافظه‌ی تاریخی ملت‌هاست.

حمله آشکار و مستقیم رژیم صهیونیستی به خاک جمهوری اسلامی ایران، وارد کردن ضربه‌ای به فرماندهان ارشد نظامی و نخبگان علمی کشور، تنها یک عملیات نظامی نبود؛ بلکه تلاشی بود برای شکستن ستون‌های اقتدار و بازدارندگی ایران در منطقه. اما تجربه انقلاب اسلامی در برابر حوادث سخت، چیز دیگری را نشان می‌دهد.

جمهوری اسلامی ایران، از نخستین روزهای انقلاب تا امروز، همواره در مقابل ترور، تجاوز، تحریم و تهمت ایستاده و نه‌تنها عقب‌نشسته، بلکه هر بحران را به فرصتی برای بازسازی و تثبیت موقعیت خود تبدیل کرده است. در همین ماجرا نیز، به‌جای عقب‌نشینی یا ضعف، اراده ملی برای پاسخ قاطع و محکم، در عالی‌ترین سطح حاکمیت نمایان شد.

جمهوری اسلامی ایران سال‌هاست که با پرچم‌داری گفتمان مقاومت، در برابر موج عادی‌سازی روابط با اسرائیل ایستاده است. اما آنچه پس از حمله مستقیم رژیم صهیونیستی رخ داد، معادلات درونی جهان اسلام را به‌شدت دگرگون کرد. اکنون دیگر کسی نمی‌تواند ایران را متهم کند که در میدان مبارزه با اسرائیل، فقط سخن می‌گوید و هزینه نمی‌دهد.

این تقابل، فرصتی فراهم آورد که جمهوری اسلامی ایران عملاً وارد فاز نهایی اثبات مواضع خویش شود. برخلاف تبلیغات جریان‌های افراطی و سلفی که ایران را «همدست پنهان اسرائیل» می‌خواندند، اکنون حمله مستقیم اسرائیل به خاک ایران، بزرگ‌ترین تکذیب این دروغ رسانه‌ای است.

در نتیجه، بسیاری از ملت‌های مسلمان که تا دیروز نگاه تردیدآمیز به نقش ایران در مقابله با رژیم صهیونیستی داشتند، امروز با وضوح بیشتری به عمق ایستادگی ایران پی برده‌اند. از عربستان تا اردن، از مصر تا کشورهای خلیج فارس، لحن رسمی و رسانه‌ای نسبت به ایران تغییر کرده است؛ چراکه افکار عمومی به وضوح در کنار کشوری ایستاده‌اند که عملاً با کودک‌کشی اسرائیل مقابله کرده است.

ایران دیگر فقط «یکی از کشورهای مخالف اسرائیل» نیست؛ بلکه به‌عنوان تنها کشور مستقل و مقاومی که حاضر است با بهای شهادت، امنیت و عزت جهان اسلام را حفظ کند، در حال تبدیل شدن به رهبر معنوی و راهبردی این جبهه است.

امروز، جمهوری اسلامی ایران نه‌فقط برای شیعیان، بلکه برای اهل سنت و آزادگان جهان، نشانه‌ای از مقاومت و ایستادگی

دلت تنگه؟ حرف بزن با خدا!

این صفحه مخصوص نوجو و ناست.

این شماره: فراز و فرودهای زندگی، همون چیزیه که ما رو می‌سازه!

نگاه تربیتی دعای کمیل

گاهی می‌گیم: «من که خیلی چیزا نمی‌دونم. خدا رو چه جوری بشناسم؟» ولی اگه یه کم با خودت خلوت کنی، یه کم فکر کنی به اینکه «من کی‌ام؟ چی می‌خوام؟ چه نیازی دارم؟»، می‌فهمی خدا همونی‌یه که همیشه دنبالش بودی. اسمش «رب»ه، یعنی اون کسی که داره تو رو آروم‌آروم رشد می‌ده و تربیت می‌کنه.

دعای کمیل اینو بهمون یاد می‌ده: اینکه توی سختی‌ها، توی ترس‌هامون، توی اشتباه‌هامون، خدا رو صدا بزنینم. بعد یه دفعه دل‌مون باز می‌شه، پر از امید می‌شه. بعد دوباره ممکنه غم بیاد. این طبیعیه. همین بالا پایین‌هاس که ازمون آدم می‌سازه. اگه با خدا باشی، توی این پستی‌بلندی‌ها گم نمی‌شی، بلکه بزرگ‌تر می‌شی.

اصلاً همین که دعا می‌کنی، یعنی فهمیدی یه کسی هست که صدات رو می‌شنوه. همین که حس کردی نیاز داری، یعنی یه کسی هست که می‌تونه بهت بده. بدون که اون همیشه هواتو داره، حتی وقتی خودت نمی‌فهمی. پس وقتی دعای کمیل می‌خونی، بدون که داری راه خودتو پیدا می‌کنی... یه راهی که تهش به خود خدا می‌رسه.

«تیم تحریریه نشریه اسوه»

تا حالا دعای کمیل رو با دقت خوندی؟ اگه یه بار آروم و با فکر بخونی، می‌بینی انگار یه سفره، یه سفر با کلی بالا و پایین. یه جاهاش از خدا با اوج عشق و احترام حرف می‌زنه، یه جاهاش از گناهش شرمند هست، یه جا امید داره، یه جا درد دل می‌کنه.

اصلاً این بالا و پایین‌بودن توی دعا، عجیبه. ولی واقعاً همینه زندگی. مثل کوه‌نوردی می‌مونه. یه وقتی سربالاییه، سخت و نفس‌گیر. یه وقتی سرازیری، راحت و دلچسب. اگه فقط سرازیری باشه، کوه‌نوردی معنی نمی‌ده! اگه فقط خوشی باشه، اصلاً نمی‌فهمیم خوشی یعنی چی.

اگه هیچ‌وقت تاریکی رو نبینیم، نور رو هم نمی‌فهمیم. اگه هیچ‌چی بدی توی دنیا نبود، خوبی رو نمی‌تونستیم بشناسیم. خدا ما رو فرستاده توی دنیایی که با همین تضادها رشد کنیم، بفهمیم، انتخاب کنیم و برگردیم سمت خودش.

مثل وقتی که یه نوزاد، هنوز بلد نیست اسم آب چیه، ولی از ته دل می‌خوادش. چون وجودش دنبال اون حقیقته. ما هم دنبال خدا، دنبال خوبی، دنبال رشد هستیم، حتی اگه اسمش رو ندونیم، حتی اگه زیاد چیزی نخونده باشیم. دل‌مون داره داد می‌زنه که یه چیزی رو می‌خواد!



وظیفه مادر میدان نبرد حق و باطل

وظیفه ما در مقابل این حوادث چیست؟ مهم‌ترین وظیفه ما و هر مسلمانی، به‌خصوص شیعه، به‌خصوص کسی که در این دوران انقلاب زندگی می‌کند و باید بگوییم اعجاز الهی را در پیروزی این انقلاب با چشمان خودش دیده است، مهم‌ترین وظیفه ما این است که سعی کنیم شناخت خودمان را نسبت به اسلام تقویت کنیم، پایه‌های اعتقادی خودمان را محکم کنیم، خودمان را در مقابل این حوادث گمراه‌کننده و فریبنده بیمه کنیم. خیلی زشت است که بعد از چهارده قرن که خدا بر ما منت گذاشته و حکومتی که نمونه‌ی حکومت انبیا و اولیای خدا است را به ما مرحمت فرموده ما قدرش را ندانیم و بگذاریم شیاطین به‌رایگان از دست ما بربایند و خون‌های پاک صدها هزار شهید را پایمال کنند! اول خودمان دین و ایمانمان را محکم کنیم؛ ولی این کافی نیست. بسیار بعید است که کسانی که چهل، پنجاه سال - حالا اندکی کمتر یا بیشتر - از عمرشان را در اسلام گذرانده‌اند و دو دوره شکوفایی اسلام را در این انقلاب اسلامی دیده‌اند و همچنان ایمان خودشان را به اسلام و انقلاب و رهبری حفظ کرده‌اند، دین خودشان را به آسانی از دست بدهند؛ بسیار بعید است.

البته در این عالم هیچ چیز برای انسان، نشدنی نیست. حتماً خود شما هم در میان دوستان و نزدیکان‌تان کسانی را سراغ دارید که بعد از این که مدت‌های زیادی در جهت انقلاب حرکت کرده‌اند و در جنگ‌ها شرکت کرده‌اند ولی سرانجام گول دنیا را خورده‌اند و سراغ مسائل دیگری رفته‌اند؛ ولی به هر حال خطر برای کسانی که دو دهه به انقلاب وفادار مانده‌اند کمتر از آن کسانی است که اصلاً انقلاب را درک نکرده‌اند و تازه، وارد میدان زندگی اجتماعی شده‌اند و خودشان را طلبکار همه چیز می‌دانند. خطر برای آن‌ها بسیار بیشتر است؛ بنابراین ما اول باید ایمان خودمان را حفظ کنیم؛ ولی به‌مراتب، بیشتر باید نگران نسل آینده‌مان باشیم؛ نگران بچه‌های خودمان و همه بچه‌های این کشور.

بخشی از سخنرانی علامه محمدتقی مصباح یزدی در تاریخ شنبه ۵ تیر ۱۳۷۸



امر به معروف و نهی از منکر، مترقی ترین اصل اسلامی

احمد رضا هدایتی
کارشناس ارشد مدیریت

در باب فواید امر به معروف و نهی از منکر و نقش آن در حفظ سلامت و تثبیت امنیت جامعه سخن‌های فراوانی بیان شده و ضرورت توجه و تحقق فراگیر آن همواره مورد تأکید مسئولین و علمای دین قرار داشته است، اما چنانچه فرار باشد علت کم‌توجهی جامعه نسبت به این فریضه الهی را مورد واکاوی و بررسی قرار دهیم، قبل از هر چیز باید «مترقی ترین اصل اسلامی یعنی امر به معروف و نهی از منکر» را به درستی شناخته و سپس علت محجوریت آن را جويا شویم، چرا که بی‌شک شناخت درست از این موضوع و آگاهی از آثار مطلوب آن بر سلامت و امنیت جامعه، می‌تواند نقش تأثیرگذاری در ترویج و تعمیم این واجب اسلامی داشته باشد.

معنا و مفهوم امر به معروف و نهی از منکر: رهبر فرزانه انقلاب (دامه برکاته) در خطبه‌های نماز جمعه تاریخ ۷۹/۹/۲۵ در بیان تعریف بخش همگانی امر به معروف و نهی از منکر یعنی امر به معروف و نهی از منکر زبانی می‌فرمایند: «البته ما باید تأسف بخوریم از اینکه معنای امر به معروف و نهی از منکر درست تشریح نمی‌شود. امر به معروف، یعنی دیگران را به کارهای نیک امر کردن، نهی از منکر، یعنی دیگران را از کارهای بد نهی کردن. امر و نهی، فقط زبان و گفتن است. البته یک مرحله قبل از زبان هم دارد که مرحله قلب است و اگر آن مرحله باشد، امر به معروف زبانی، کامل خواهد شد». ایشان در ادامه افزودند: «اگر معنای امر به معروف و نهی از منکر و حدود آن برای مردم روشن شود، معلوم خواهد شد یکی از نوترین، شیرین‌ترین، کارآمدترین و کارسازترین شیوه‌های تعامل اجتماعی، همین امر به معروف و نهی از منکر است و بعضی افراد دیگر در نمی‌آیند بگویند «آقا! این فضولی کردن است!» نه؛ این همکاری کردن است؛ این نظارت عمومی است؛ این کمک به شیوع خیر است؛ این کمک به محدود کردن بدی و شر است؛ کمک به این است که در جامعه‌ی اسلامی، گناه، همیشه گناه تلقی شود».

با عنایت به تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب (دامه برکاته) به نظر می‌رسد راز حفظ بقاء اسلام و انقلاب در اجرای درست این راهبرد بزرگ اسلامی نهفته است و علت تقابل دشمن را نیز باید در همین نکته جستجو کرد، به این ترتیب در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، مهمترین آثار اجرای این فریضه الهی عبارتند از:

۱. نزد افکار عمومی جامعه نیکی و بدی، همچنان نیکی و بدی باقی خواهد ماند،
۲. از بروز منکرات و تخلفات پیشگیری شده و در نتیجه هزینه‌های مقابله با منکر کاهش خواهد یافت،
۳. علاوه بر مخاطبین، بر خود داعیان نیز نشانه‌ی نیک بر جای می‌گذارد،
۴. نظام اسلامی را همیشه تروتازه و باطراوت و شاداب نگه می‌دارد،
۵. مواد مضر [ناهنجاری‌های رفتاری و اخلاقی] در جامعه را از بین می‌برد و در عوض، مواد حیاتی تولید می‌کند،
۶. برپایی فرایض اسلامی و بقاء اسلام را ضمانت می‌کند و در نهایت قوام

و استقلال کشور را حفظ خواهد کرد. پیامدهای کم‌توجهی و بی‌تفاوتی نسبت به امر به معروف و نهی از منکر:

از نظر رهبر انقلاب؛ اجتناب از امر به معروف و نهی از منکر عوارض و پیامدهای زیر را به همراه دارد:

۱. منکرات ترویج یافته و افراد جامعه فاسد می‌شوند.
 ۲. مردم که فاسد می‌شوند، حکومت‌ها هم فاسد می‌شوند.
 ۳. در نتیجه علما و گویندگان دین هم فاسد می‌شوند.
 ۴. از آدم‌های فاسد، اصلاً دین صحیح صادر نمی‌شود. قرآن و حقایق را تحریف می‌کنند.
 ۵. خوب‌ها را بد، بد‌ها را خوب، منکر را معروف و معروف را منکر می‌کنند.
 ۶. زمینه برای روی کار آمدن آدم‌های ناباب فراهم خواهد شد.
 ۷. موجب می‌شود اشرار بر سر کار بیایند و زمام حکومت را در دست بگیرند.
 ۸. در چنین وضعیتی؛ خدا اشرار و فاسدها و وابسته‌ها را بر مردم مسلط می‌کند.
 ۹. بروز این وضعیت، جامعه را تخریب می‌کند و مانع از رشد پیشرفت کشور می‌شود.
 ۱۰. در چنین جامعه‌ای خدا دعای بندگان را نیز مستجاب نمی‌کند.
- با عنایت به بیانات رهبری، مهمترین علل دشمنی استکبار با این راهبرد اسلامی عبارتند از: دشمن می‌خواهد، در بین مسلمین سرگرمی به شهوات ترویج شود.
- دشمن از راه اشاعه‌ی فرهنگ غلط فرهنگ فساد و فحشا سعی می‌کند، جوان‌های ما را از ما بگیرد.
- دشمن می‌خواهد، «معروف» اسلامی نباشد و آنچه از نظر اسلام «منکر» است، رایج باشد.
- چون پیشرفت مسلمین برای استکبار قابل تحمل نیست، می‌خواهد در داخل کشور، تنبلی و بیکاری باشد.
- دشمن تمایل دارد، سازندگی و ابتکار و اصلاح امور اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم نباشد.
- استکبار می‌خواهد پیشرفت علم و دانش در کشور نباشد، تحقیقات نباشد، کلاس درس نباشد.
- استکبار می‌خواهد در این کشور و در میان این ملت، ایمان عمیق نباشد، تا اقدامات خصمانه‌اش اثر بیشتری داشته باشد.
- دشمن مایل نیست که اسلام به طور کامل پیاده شود، چون اگر اسلام به طور کامل پیاده شد، آسیب‌ناپذیر می‌گردد.
- مسلمین از طریق امر به معروف و نهی از منکر می‌توانند، اراده‌ی خود را در حرکت عالم تأثیرگذار کنند و دشمن این را نمی‌خواهد.
- دشمن می‌خواهد، امر به معروف و نهی از منکر نباشد چون، همان امر به معروف و نهی از منکر و همان حرکت حزب‌اللهی و همان پایبندی به اصول است که می‌تواند در مقابل انحراف‌ها و خطاهای فاحش دنیای امروز بایستد.
- کلام آخر اینکه؛ در این مسیر قبل از هر چیز باید، حساب ناهنجاری‌های ناشی از اعمال گروهی از مسلمین که چهره اسلام را مخدوش ساخته، از حساب اسلام جدا کنیم، چرا که اسلام نه تنها با این‌گونه رفتارها موافق نیست، بلکه همواره در مقام مبارزه با آن قرار داشته و تأکید دین بر اجرای امر به معروف و نهی از منکر، گواهی بر این مدعاست. ثانیاً در بیشتر موارد، رفتار و عملکرد مبتنی بر اصول و ارزش‌های اسلامی، از سوی مؤمنین نه تنها آثار و تبعات رفتارهای نادرست مسلمین را خنثی خواهد کرد، بلکه از بروز بسیاری از رفتارهای نامطلوب نیز پیشگیری خواهد نمود. و ثالثاً باید اثربخشی این راهبرد را باور و با اجتناب از بی‌تفاوتی نسبت به مسائل جامعه، کارآیی آن را اثبات نماییم.

با کودکت زندگی کن

شماره اول: لجبازی کودک یا اعلام استقلال؟

یکی از رایج ترین دغدغه های پدر و مادرها در سال های نخست تربیت فرزند، مسئله ای است که اغلب آن را «لجبازی» می نامند. کودک مدام «نه» می گوید، مقاومت می کند، با کوچک ترین درخواست، مخالفت می ورزد. اما آیا واقعاً این ها نشانه ی نافرمانی است؟ یا چیزی ژرف تر در دل این رفتارها نهفته است؟

اریک اریکسون، روان شناس برجسته، مرحله ای از رشد کودک (حدود ۲ تا ۳ سالگی) را «خودمختاری در برابر شرم و تردید» می نامد. در این سن، کودک به تدریج متوجه اراده ی مستقل خود می شود و تلاش دارد این اراده را کشف و تجربه کند. «نه گفتن» های مکرر او، در واقع اعلام حضور هویتی نوپاست که می خواهد بگوید: من هم چیزی می خواهم، من هم کسی هستم.

در این شرایط، اگر والدین با تحکم، سرزنش یا بی صبری پاسخ دهند، کودک نه تنها عقب نشینی نمی کند، بلکه احتمالاً لجبازی را به ابزار اصلی ابراز وجودش تبدیل می کند. چرا؟ چون احساس می کند شنیده نمی شود، دیده نمی شود، سهمی در تصمیمات ندارد.

شهید مطهری در کلامی ژرف و هشداردهنده می نویسد:

«خیال می کنیم تربیت فقط یعنی جلوگیری... بیشتر خانواده ها عقیده شون اینه که تربیت بچه فقط همون چشم غره رفتن بهش و ترسوندن شه... و مانع شدن از اینکه یک تلاش و حرکتی داشته باشه: اینجا نخند، اونجا چنین نکن؛

همواره «نکن» است؛ یعنی تربیتشون از «لا» (نه) درست می شه در صورتی که این تربیت نیست.»

چقدر این نگاه، با یافته های علمی امروز هم سوست. روان شناسانی مانند راس گرین، نویسنده ی کودک انفجاری، نیز تأکید دارند که بسیاری از رفتارهای چالش برانگیز کودک نه از سر شرارت، بلکه ناشی از ضعف در مهارت های حل مسئله و هیجانی ست. کودک نمی خواهد اذیت کند؛ فقط نمی داند چگونه نیازش را درست بیان کند.

پس تربیت سالم، یعنی شنیدن زبان خاموش کودک پیش از آن که فریاد شود. یعنی دادن انتخاب های کوچک، تعیین مرزهای امن ولی با احترام، و باور به اینکه «نه گفتن» کودک، همیشه مخالفت با والد نیست؛ گاهی تمرین استقلال است.

به جای فرمان های خشک، می توانیم بپرسیم: «دوست داری خودت لباس تو بپوشی یا کمکم کنم؟» «اول مسواک یا اول کتاب؟» فرزند ما برای رشد، باید طعم تصمیم گرفتن را بچشد؛ نه فقط اطاعت کردن را. تربیت واقعی، تنها با گفتن «نکن» شکل نمی گیرد؛ بلکه با شنیدن، همراهی، و فرصت تجربه ساخت می شود.

منابع:

Erikson, E. H. (1963). *Childhood and Society*.

Maslow, A. H. (1943). *A Theory of Human Motivation*.

Greene, Ross W. (2001). *The Explosive Child*.

شهید مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۵، ص ۱۱۳.

دکتر هدی شعاعی - نکات روان شناسی رشد کودک.

«تیم تحریریه نشریه اسوه»



سخنی کوتاه با خانم خونه

این شماره: «حرف مردم»

مامان نازنین؛

شاید تو از اون دسته مامان‌هایی هستی که به دیدگاه و نظر مردم نسبت به خودت و رفتارهای اهمیت میدی!...
لنزی که آدم‌ها باهاش نگاهت میکنن، تحت تأثیر تربیت، باورها و تجربه‌های شخصی خودشونه...
بعضی‌ها قسمتِ روشنت رو میبینن،
بعضی‌ها قسمتِ آزاردهنده‌ت رو،
بعضی‌ها فکر میکنن تو احساساتی و ضعیفی،
بعضی‌ها هم کنارت اونقدر احساس آرامش میکنن که خود واقعی‌شون باشن،
بعضی‌ها هم ممکنه فکر کنن گستاخ و خودخواهی...
بعضی‌ها هم بهت احترام میدارن چون تو، هوای خودت رو داری
اما هیچ‌کدوم از اینها ربطی به خود واقعیت نداره!
به جای فکر کردن به حرف مردم، هدف‌ها و ارزش‌ها رو تعیین کن.
اونها رو به بخش‌های کوچیک تقسیم کن و تلاش کن تا خود واقعیت باشی.
عشق به وجود خودِ خودت

«تیم تحریریه نشریه اسوه»

زندگی به سبک آیات

این شماره: سستی و اندوه ممنوع

گفتن ملت ایران اهل سینه سپر کردن؛ اهل فرار نیست. ما به این آیه اعتقاد داریم... تهدید دشمن روی ما اثری ندارد. یعنی سبک زندگی مؤمنانه یعنی همون چیزی که شهدا داشتن، همون روحیه‌ای که تو دفاع مقدس باعث شد یه کشور دست‌خالی مقابل دنیا وایسه و پیروز بشه.

حالا وقتشه که این سبک زندگی رو جدی بگیریم
تو این شرایط، بعضیا می‌رن تو فاز اضطراب، ناامیدی، یا حتی غر زدن. اما قرآن می‌گه اگه واقعاً مؤمن باشی، تو بالا می‌مونی، نه پایین.

زندگی به سبک این آیه یعنی:

به جای ترس، توکل
به جای ضعف، مقاومت
به جای غصه، امید
به جای فرار، ایستادگی
حتی اگه دشمن ضربه بزنه، حتی اگه چند نفر از عزیزامون شهید بشن، ایمان و عزت ما رو نمی‌تونه بگیره.

یه جمله طلایی برای روزهای سخت:

وقتی خبرها تلخه، وقتی فضای مجازی پر از ناامیدیه، فقط کافیه این آیه رو یادادت بیا: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا...»
این یعنی: «نه ترس، نه غصه... چون خدا با مؤمن هاست!»

«تیم تحریریه نشریه اسوه»

این روزها که سر و صدای جنگ بلند شده، و رسانه‌ها با آب و تاب می‌نویسن و روایت می‌کنن، آدم ممکنه ته دلش بلرزه. مخصوصاً وقتی حرف از حمله رژیم صهیونیستی میشه که خونخوار و خون‌ریزه. خیلی‌ها از خودشون می‌پرسن: «ما باید چه کار کنیم؟»

توی همین فضا، مقام معظم رهبری جمله‌ای طلایی از قرآن رو برامون یادآور شدند که مثل یه نور توی دل تاریکی می‌تابه: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (سوره آل عمران، آیه ۱۳۹)

یعنی چی؟ یعنی:

سست نشو! غم به دلت راه نده! تو برتری... اگر ایمان داشته باشی!

این آیه تو چه شرایطی نازل شد؟

جالبه بدونی این آیه بعد از جنگ احد نازل شد؛ همون جنگی که مسلمان‌ها شکست خوردن، کلی از یاران پیامبر به شهادت رسیدن، خود پیامبر زخمی شد... یعنی اوضاع خیلی خراب بود. ولی خدا تو همون شرایط سخت، بهشون گفت: نه سستی، نه غصه! اگه مؤمن باشین، شما پیروزین.

یعنی چی؟ یعنی شکست ظاهری، دلیل شکست واقعی نیست. تا وقتی ایمانت سر جاشه، بازی هنوز ادامه داره.

سبک زندگی مؤمنانه؛ یعنی چی؟

مقام معظم رهبری بارها روی همین آیه تأکید کردن. ایشان



همه با هر سلیقه‌ای که داریم باید پای کار باشیم به هر نحوی

به گزارش تصویری از تجمعات تهران در دفاع از نیروهای نظامی





مجله نشر اسرار و اسرار حسین امام حسین

هیئت شهدای موسسه فرهنگی قرآن و عترت اسوه تهران
همچون سنوات گذشته به مدت ۱۰ روز اقامه عزای می نماید

همراه با قرائت زیارت عاشورا و روضه خوانی اباعبدالله الحسین علیه السلام

سخنران

حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا طریقت

دوشنبه ۱۶ تیر ماه الی چهارشنبه ۲۵ تیرماه مصادف با
۱۲ محرم الی ۲۵ محرم (ویژه خواهران)
ساعت شروع مراسم: ۱۶:۴۵ بعد از ظهر

*** شما هم دعوتید ***

مکان: حسینیه موسسه فرهنگی قرآن و عترت اسوه تهران



واحد پژوهش مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

سر دبیر: سرکار خانم زهرا بادی

دبیر تحریریه: فخری مرجان

مدیر هنری: سعیده نیکبخت

بهای هر شماره: ذکر صلوات نثار ارواح طیبه شهدا و امام خعینه(ره)

راه های ارتباطی با مؤسسه فرهنگی، قرآن و عترت اسوه تهران

پایگاه اینترنتی: www.osveh.org

فروشگاه اینترنتی: www.osvehshop.com

کانال تلگرام: [osveh_org](https://t.me/osveh_org)

آدرس اینستاگرام مؤسسه اسوه: [osveh_org](https://www.instagram.com/osveh_org)

مرکز آموزش الکترونیک اسوه: www.nokavedu.ir

مرکز مشاوره اسوه: www.osvehgap.ir

یادداشت های نشریه در تحریریه اسوه آماده سازی و تدوین می شود

نشانی: تهران - خیابان کارگر جنوبی - پایین تر از چهار راه لشکر - روبه روی دانشگاه پردیس علامه طباطبائی - کوچه شهید علی غیاثوند قیصری - بن بست آریا - پلاک ۶

شماره تماس: ۰۲۱-۵۵۴۸۲۰۲۵